

اعلامیه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

دربارهٔ مداخلهٔ مسلحانهٔ رژیم ایران در عمان و ظفار

هموطنان گرامی

محمدرضا شاه برای سلطان پوسیدهٔ عمان سرباز و افسر و هلیکوپتر و هواپیما فرستاد و دست تانک تحت فرماندهی افسران انگلیسی به سرکوب جنبش رهایی بخش ظفار بردارند. محمدرضا شاه و خدایندگاران امپریالیستش میخواهند شعلی را که بدست خلق‌های عرب در کرانه‌های خلیج فارس و اقیانوس هند برافروخته و برافراشته شده است خاموش گردانند. سازمان دامن اتحاد امارات عربی و تسلیح و تقویت عربستان سعودی و ایران گوشه ای از نقشهٔ نو استعماری امپریالیست هاست که در صدور جنبش‌های ملی و نجات بخش خاورمیانه و منطقهٔ خلیج را بدست ارتجاع محلی نابود گردانند و اعزام ارتش ایران به عمان نمودار نقشی است که امپریالیست‌های امریکائی و انگلیسی بر عهدۂ محمدرضا شاه بعنوان ژاندارم خلیج گذاشته اند. این حادثه نشان دهندهٔ مرحلهٔ جدید در اتحاد و هم‌دستی حکومت‌های ارتجاعی این منطقه در زیر پرچم امپریالیسم است.

همه میدانند که رژیم زرخیز عمان یکی از عقب‌مانده ترین و فرتوت ترین رژیم‌های جهان است که مستقیماً بدست افسران انگلیسی اداره میشود. و همه میدانند که امروز "جبههٔ رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده" و مناطق آزاد شدهٔ ظفار الهام بخش همهٔ خلق‌های خاورمیانه است. نقشهٔ سرکوب جنبش ظفار قسمتی از سرکوب جنبش در تمام منطقهٔ خلیج و سراسر خاورمیانه بشمار می‌آید. نبرد قهرمانانهٔ خلق ظفار با پیکار ملی و ضد امپریالیستی همهٔ خلق‌های خاورمیانه پیوند مستقیم دارد. پیروزی خلق ظفار پیروزی همهٔ خلق‌های خاورمیانه است. اعزام ارتش محمدرضا شاه به ظفار ثابت میکند که ما همه بر علیه دشمن واحدی در مبارزه‌ایم. خلق ایران اقدام محمدرضا شاه را در اعزام ارتش به ظفار با خشم و نفرت بی پایان محکوم میکند و با تمام قوا پشتیبان خلق‌های برادر عرب است. هیچ ایرانی شرافتمندی بر روی خلق‌های برادر عرب، بر روی خلق دلیر ظفار دست بلند نخواهد کرد. جنگ بر ضد خلق ظفار جنگ بر ضد خلق ایران است. پشتیبانی پر شور و فعال از نهضت ظفار و کمک همه جانبه به وی وظیفهٔ کلیهٔ سازمان‌های ضد استعماری و کلیهٔ هموطنان ماست.

سربازان، درجه داران و افسران

محمدرضا شاه میخواهد شما را برای آتش زدن روستاها و سوزاندن خانمان و زن و فرزند خلق رنج‌دیده‌ای بفرستد که بخاطر رهایی از اسارت امپریالیستی و فقر و جهل قرون وسطائی بپاخاسته است. مگر آرید دامن شما و ملت ایران بچنین تبهکاری آلوده گردد. دست برادری بسوی خلق عمان و ظفار دراز کنید و به ارتش رهایی بخش ظفار پیوندید. فرصت را از دست ندهید. بگذر آماج گلوله‌های شما سلطان قابوس‌ها و محمدرضا شاه‌ها و سایر طفیلی‌ها و غارتگران و امپریالیست‌های استعمارگر باشند. تردیدی نیست که اقدام تجاوزکارانهٔ رژیم محمدرضا شاه که با اشارهٔ امپریالیست‌ها انجام گرفته است خلق عمان و ظفار را در دفاع از آرمان‌های ملی و ضد استعماری خویش راسخ تر خواهد ساخت و وحدت و همبستگی خلق‌های عرب و ایران را بیش از پیش تحکیم خواهد کرد.

سرنوین باد رژیم دست‌نشاندهٔ محمدرضا شاه

دست ارتجاع و امپریالیسم از عمان و ظفار کوتاه

درود پرشور به "جبههٔ رهایی بخش خلیج عربی اشغال شده"، سازماندهٔ مبارزهٔ قهرمانانهٔ خلق ظفار.

استوار باد دوستی و همبستگی خلق‌های عرب و ایران بر علیه ارتجاع و امپریالیسم.

سازمان مارکسیستی توفان

اردیبهشت ۱۳۵۱ = آوریل ۱۹۷۳

کنفدراسیون و توطئهٔ تازهٔ رژیم

رژیم ایران پس از آنکه از فشار و تضییقات گوناگون خود علیه دانشجویان خارج بمنظور جلوگیری از شرکت آنان در کنفدراسیون و سازمانهای دانشجویی طرفی نسبت در کنفدراسیون را غیر قانونی اعلام کرد و اعضا آنرا قابل تعقیب شمرد. شاه و سازمان امنیت چنین می‌پنداشتند که با این اقدام ضربات کاری بر دیگر سازمان دانشجویان ایرانی وارد آورده‌اند. اما جوانان و دانشجویان با شرکت وسیع خود در کنفدراسیون و از آنجمله در نخستین کنگره‌ای که بلافاصله پس از اعلام غیرقانونی کردن کنفدراسیون تشکیل شد، نشان دادند که کنفدراسیون را از آن خود میدانند و آنچه در قوه دارند بفعل در میاورند تا آن را از دستبرد نیروهای اهریمنی مصون و محفوظ نگاه دارند.

امروز دیگر روشن است که این اقدام شاه نیز با شکست روبرو شده است. کنفدراسیون علی‌رغم فرمان استبداد همچنان استوار برجای خود نشسته و به انجام وظائف خلقی و میهنی خود با پیگیری ادامه میدهد.

سازمان امنیت که از آخرین اقدام خود هم نتیجه‌ای بدست نیامد اکنون در کنار اعمال فشار و اختناق که حسیه اساسی او است نقشه‌های تازه‌ای میریزد و در دنبال توطئه‌های جدیدی است. این بار برای آنکه "پلهای ارتباطی بین حکومت و دانشجویان زده شود"، "کنفدراسیون را از این حالت جولانگاه رقابت و مبارزه گروه‌ها و تشکیلات سیاسی مختلف در بیاید"، و آنوقت "آنوقت یک سازمان دانشجویی میتواند خیلی کارها بفرماید که بفرماید" (کجهان ۳۰ دسامبر ۱۹۷۲).

سازمان امنیت مانند رویزیونیست‌ها، کنفدراسیون را از هیئت یک سازمان دانشجویی مستقل، یعنی آنچه که در واقع هست می‌اندازد و آنرا جولانگاه رقابت و مبارزه تشکیلات سیاسی مینمایاند. با این توصیف برای سالم کردن محیط کنفدراسیون، محیطی که از رقابت و مبارزه سازمانهای سیاسی برکنار باشد باید فعالین کنفدراسیون، که گویا به گروه‌ها و تشکیلات سیاسی وابستفاند بشکلی از کنفدراسیون و مبارزات دانشجویی دور شوند و پلهای ارتباطی، لابد به هیئت‌های عالی که بدرون کنفدراسیون راه مییابند، میان حکومت و دانشجویان برقرار گردد! آنگاه طبیعتاً کنفدراسیون در اختیار سیاست رژیم در خواهد آمد و "خیلی کارها بفرماید که بفرماید" خواهد داد!

رژیم ایران در واقع این فکر خام را در سری پروراند که با استفاده از تمام وسائلی که در اختیار دارد بر کنفدراسیون دست یابد و بدین ترتیب بایک تیر دوشان بزند: از یکسو کنفدراسیون را از سر راه بردارد و گریبان خود را از دست سازمانی که با استقامت و پیگیری واقعیت و ماهیت رژیم را به جهانیان می‌شناساند، برهاند و از سوی دیگر آنرا در خدمت خویش بگمارد و در راه آرایش خود بکار اندازد.

البته نیل بچنین هدف تبهکارانه‌ای به آسانی دست نمیدهد ولی رژیم ایران برای خاموش کردن صدای کنفدراسیون چنانکه تاکنون نشان داده، از هیچ اقدامی روگردان نیست. سازمان امنیت، آنگونه که از ظواهر امر برمیآید، مستقیم یا غیر مستقیم از هم اکنون کار خود را آغاز کرده است.

اما رژیم این بار هم کور خوانده است، این بار هم رهبری و اعضا کنفدراسیون و همه دانشجویان میهن دوست با هوشیای تمام این نقشه سازمان امنیت را نیز نقش بر آب خواهند کرد، همانطور که نقشه‌های دیگر سازمان امنیت را عقیم گذاردند. البته کنفدراسیون در این مبارزه خود کماکان از پشتیبانی بی‌شائبه همه سازمانهایی که به حفظ و تقویت آن علاقه مندند برخوردار خواهد بود. بقیه در صفحه ۲

بیان خرد اد خونین

ده سال پیش در روز پانزده خرداد نبرد میهن پرستان ایران با نیروهای مسلح محمدرضا شاه به اوج خود رسید. ده‌ها هزار نفر از مردم تهران و شهرستانهای دیگر، شجاعانه به مبارزهٔ قهرآمیز با دشمنان خلق پرداختند. گلوله‌های قشون محمدرضا شاه خون هزاران نفر از این جانبازان را نقش بر زمین ساخت.

رژیم محمدرضا شاه پس از کودتای ۲۸ مرداد هنوز با چنین تظاهرات وسیعی مواجه نشده بود، تظاهراتی که بخش وسیعی از توده‌ها را در بر میگرفته، خشمناک، قهرآمیز و صراحتاً برای سرنوینی رژیم خانن محمدرضا شاه بود، به انتقاد از این یا آن اقدام رژیم اکتفا نمیکرد، همهٔ پیکرهٔ وی را مورد هدف قرار داده بود. شعارهای اساسی این تظاهرات "مرگ سر محمدرضا شاه" و "مردم باد استبداد" بود. مردم هر کجا که میرسیدند تجهیزات و موسسات دولتی را ویران می‌ساختند و وسائل نظمی دولتی و ارتشی را میسوزاندند. هیچ کس بیم از آن نداشت که در صف اول تظاهرات قرار گیرد و اولین هدف گلوله‌های قوای نظامی خونخوار محمدرضا شاه باشد. محمدرضا شاه و قوای نظامی ساخته و پرداختهٔ امپریالیستی‌اش از هیچ گونه درمنشی و قساوتی فروگذار نکردند. مردم را بجز به رگبار گلوله مستند. حتی در بسیاری از خیابانهای کماصلا صحنهٔ تظاهرات نبود، برخی از رهگذران را هدف گلوله قرار میدادند. وعده داده شده بود که هر کس بیشتر آذینکشد مورد تفتات بیشتر "ملوکانه" قرار خواهد گرفت و پاداش بیشتری دریافت خواهد داشت ولی جنبش توده‌های مردم آنچنان وسیع بود که این نیروهای تابندگان مسلح رژیم بیش از یک هفته برای سرکوب آن وقت صرف کردند.

در آن زمان محمدرضا شاه با الهام از امپریالیسم امریکا برای ادامه دادن به سلطه خونین خویش و برای ایستادگی در برابر امواج نیرومند انقلاب به یک سلسله "اصلاحات" نو -

استعماری دست برده بود. هدف این "اصلاحات" فریب خلق ایران، نفاق افکنی در میان نیروهای انقلابی ایران بود. ولی خلق ایران با جنبش خرداد ۱۳۴۲ نشان داد که از همان آغاز فریب این سیستم امپریالیستی را نخورده است و سرکوبی رژیم نیمه مستعمره و نیمه فئودالی محمدرضا شاه کماکان شعار اصلی همهٔ نیروهای میهن پرست و انقلابی است. بقیه در صفحه ۲

دست جلاد کوتاه!

پس از گذشت سه سال فاش میشود که یکی از پژوهندگان آمارها و اوضاع اجتماعی ایران، خانم حاجبی، را سازمان امنیت از خیابان‌های تهران برود و بدون هیچگونه اطلاعی به خویشان وی در زندان نگهداشته و حالا پس از ایراد انواع فشار و شکنجه برای او در تدارک صحنه‌سازی دادگاه است.

سرگذشت خانم حاجبی سرگذشت بسیاری از مرد شرافتمند میهن ماست. ولی آنچه در این مورد ویژگی دارد اینست که خانم حاجبی بنا بر وظیفهٔ شغلی خود به پژوهش در روستای ایرا و نتایج "اصلاحات ارضی" میبرد اخته و همین امر علت گرفتاری او شده است. رژیم کودتا روستای ایران را از طریق سازماندهو سپاهیان گوناگون و خانه‌های انصاف وغیره وغیره در زیر نظارت گرفته‌است و میکوشد تا آن را بصورت محیط بستهای درآورد زیرا که علی‌رغم تبلیغات دروغین خود از قیام روستائیان سخت میهراسد. رژیم کودتا به ایرانیان خارج از کشور که پیوسته بافشا سیاست ضد ملی او مشغول‌اند جار میزند که بیائید و بنقاط مختلف ایران، به کارخانه و مزرعه، سر بزیند تا واقعیت دل‌افروز "انقلابات دوازده گانه" بر شما روشن شود. ولی آنگاه که یک تن پژوهشگر ایرانی، باقتضای شغل خویش، سری به ده میزند فوراً با شکنجه‌گران سازمان امنیت سروکار پیدا میکند. حادثهٔ دستگیری خانم حاجبی، دلیل روشنی بر کذب تبلیغات رژیم کودتا دربارهٔ واقعیات روستای ایران است. دست جنایتکار سازمان امنیت از خانم حاجبی کوتاه! درود پر شور به زندانیان سیاسی!

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان!

نبرد مسلحانه در فیلیپین

در این اواخر مطبوعات جهان سرمایه داری از جنگ توده ای در فیلیپین بسیار سخن میگویند ولی کوشش دارند که این جنگ را زد و خورد بین مسلمانان و مسیحیان جلوه گر سازند . بویژه مطبوعات ایران در این مورد جنجال بسیار برپا کردند و افسانه‌هایی درباره ایرانیان مسلمان مقیم فیلیپین سر دادند . همه این تبلیغات برای آنستکه واقعیت حوادث فیلیپین و مفهوم طبقاتی و ملی و ضد امپریالیستی آنها را پنهان نگاه دارند . واقعیت آنستکه توده‌های زحمتکش و استقلال طلب فیلیپین بر علیه حکومت استبدادی و دست نشانده آمریکا - حکومت مارکوس - بجای خاسته‌اند . مقاله زیرین که از روزنامه کلارته (ارگان حزب کونیست مارکسیست لنینیست بلژیک ترجمه شده است خوانندگان گرامی را با آنچه در فیلیپین میگذرد آشنا خواهد ساخت . روزنامه کلارته در نیمه دوم آوریل نوشته است :

در فیلیپین چه میگذرد ؟ اخبار واصله واقعا خیلی خوب و حاکی از آنستکه مبارزه نیروهای توده‌ای بر علیه دیکتاتوری مارکوس به مقیاس وسیعی گسترش یافته است . محافظ رسمی مانیل (پایتخت فیلیپین) اعتراف میکنند که نبرد همای برداشته ای بین نیروهای توده‌ای و نیروهای دولتی نه فقط در روستاها بلکه همچنین در شهرها درگیر شده است .

در بر خورد های شدید ی که در هفته‌های اخیر بوقوع پیوسته نیروهای دولتی تلفات زیادی از حیث نفقات و افزارهای جنگی داده اند . پیروزی‌های ارتش نوین خلق بارهبری صحیح حزب کونیست فیلیپین که با وفاداری به مارکسیسم لنینیسم ، پرچم مبارزه مسلحانه خلق فیلیپین را بر علیه دیکتاتور فاشیستی مارکوس و خداندگان او نگه داشته یعنی امپریالیستهای آمریکا سر بلند نگاه داشته است پیوند نزدیک دارد .

حزب کونیست فیلیپین بارها تاکید کرده که یگانگی پاسخ به حکومت نظامی که بوسیله مارکوس بر پا شده جنگ توده‌ای است .

روش انقلابی حزب کونیست فیلیپین حاکی از اینکه شکل مناسب مبارزه در مرحله کنونی دیکتاتوری و ملی انقلاب فیلیپین همانا مبارزه مسلحانه میباشد روشن تر از همیشه مشهود است .

حزب کونیست فیلیپین در اسنادی که اخیرا منتشر ساخته در ضمن تحلیل اوضاع فیلیپین تاکید میکند که سه عامل قطعی بسیار مساعد برای تقویت مبارزه در آن کشور وجود دارند نخست اینکه آمادگی حزب کونیست فیلیپین برای رهبری نبرد انقلابی در جهت سرنگونی حکومت فاشیستی از همه بیشتر است .

دوم اینکه حزب دارای ارتش انقلابی بسیار نیرومند و بسیار آزموده ای است بنام ارتش نوین خلق .

سوم اینکه صفوف نهضت انقلابی گسترش بسیار یافته و اراده آنان برای نبرد توده‌ای در سراسر جزایر فیلیپین راسخ تر شده است .

حزب کونیست فیلیپین صلاحیت رهبری مبارزه انقلابی را بدست آورده زیرا که از حیث ایدئولوژیک ، سیاسی و سازمانی آمادگی یافته است . حزب کونیست فیلیپین با تکیه بر آموزش مارکسیسم لنینیسم ، قادر است جنگ توده ای طولانی را با سرسختی رهبری کند و راه حل مسائل انقلاب فیلیپین را بطوری صحیح بیابد . سیاست انقلابی حزب کونیست فیلیپین توده‌های زحمتکش شهر و روستا را در مبارزه برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی تجهیز میکند . همچنین نیروی حزب کونیست فیلیپین در قدرت تشکیلاتی اوست که با تلفیق صحیح کار مخفی با کار علنی میتواند در برابر ضربات دیکتاتوری فاشیستی فیلیپین مقاومت کند .

حزب کونیست فیلیپین در تنظیم برنامه خویش منظور انقلاب دیکتاتوری خلق و وظائف خود را چنین مقرر داشته است متحد ساختن کلبه نیروهای که با دیکتاتوری فاشیستی مبارزه میکنند و دست آمیزگانی مارکوس بمخالفت برخیزند و مبارزه انقلابی مسلحانه برای سرنگون ساختن وی یاری رسانند ، تقویت ارتش نوین خلق ، سازمان دادن واحد های پارتیزانی در سراسر جزایر فیلیپین و متحد ساختن کلبه کسانی که مخالف دیکتاتور مارکوس اند ، مبارزه در راه استقرار حقوق دیکتاتوری کلبه نیرو

های ضد فاشیستی ، بر علیه کلبه اقدامات دیکتاتوری فاشیستی که بسود امپریالیسم آمریکا و دارو دسته فاشیستی مارکوس است ، بخاطر الغاء کلبه بیمنها و موافقت نامه‌های نابرابر با آمریکا و بویژه بیمنها و موافقت نامه‌هاییکه مربوط به سرمایه‌گذاری مستقیم و پایگاه‌های نظامی و کمک نظامی و تجاوزکاری نظامی و فرهنگی است . حزب کونیست فیلیپین از کلبه اعضا خود دعوت میکند که فعالیت بمنظور تحقق بخشیدن به وظائف بر نامه سیاسی ، سازمانی و ایدئولوژیک را که از طرف حزب تنظیم شده است گسترش بخشند .

در رهنمود های فوق تاکید شده که بر خلاف تاواهری امر که گویا دیکتاتوری دارو دسته مارکوس موجودیت نیروها انقلابی را تحت فشار گذاشته وضع بسیار مساعدی برای بسط نیروهای مذکور بوجود آمده است .

حزب برای آنکه نیاز ز عظیم کشور را به کادرها در کلبه نقاط تا مین کند امر اعزام کادرها را از منطقه ای به منطقه دیگر تنظیم کرده است . بر تزاری رابطه صحیح بین تعداد کادرها در نواحی شهری و روستایی باید بوسیله کمیته‌های منطقه ای عملی شود . کمیته مرکزی حزب کونیست فیلیپین بر آنستکه کمیته‌های مذکور باید ابتکار بیشتری در ساختمان حزب و ارتش نوین خلق و جبهه متحد بکار برند .

حزب کونیست فیلیپین میطلبد که به کادر میان توده‌ها اهمیت بیشتر داده شود و تاکید میکند که کامیابی حزب وابسته به کلبه و کیفیت واحد های حزب ، واحد های فعال ارتش نوین خلق ، ارگانهای قدرت سیاسی ، کمیته‌های سازماندهی خلق ، سازمانهای توده‌ای کارگران ، دهقانان جوانان ، زنان و زحمتکشان فرهنگی .

نظر به تروری که از طرف دیکتاتوری دارو دسته مارکوس اعمال میشود حزب کونیست فیلیپین به بهبود شیوه‌های کار مخفی و بویژه در شهرها و همچنین به ایجاد پیوند با تعداد هرچه بیشتری از مناطق توجه خاصی مبذول میدارد .

حزب کونیست فیلیپین و ارتش نوین خلق که بوسیله وی رهبری میشود اعلام داشته اند که دیکتاتوری آمریکا پرست مارکوس شرایط لازم برای مبارزه مسلحانه در مناطق روستایی را فراهم آورده است . مبارزه مسلحانه چندین منطقه محدود کشور آغاز شده است و اینک در سراسر جزایر فیلیپین مناطقی نبرد وجود دارد . موقع آن رسیده است که به عطیات محدود در نواحی شهری دست زده شود .

نهضت انقلابی بر علیه امپریالیسم آمریکا و فئودالیسم و سرمایه داری بزرگوار کلبه بصورت نیروی عظیمی درآمده که قادر است انقلاب فیلیپین را تا باخر برساند .

نمونه‌ای از گزارش های رسمی

" طبق گزارش اداره تربیت بدنی گرسار ، جشن افتتاح استخر شنا برگزار گردید . ولی هنگامی که من بگرسار رستم دیدم گودالی کنده‌اند . پرسیدم شما گزارش به مرکز داده‌اید که جشن افتتاح استخر را برگزار کرد‌اید . گفتند مادر گزارش اشتباه کرده‌ایم "

از یاد اکران مجلس محمد رضاشاه روز ۱۹ اسفند ۱۳۵۱

گفدراسیون . . . بقیه از صفحه ۱

سازمان ما که هیچگاه از پشتیبانی از این یگانه سازمان دانشجویان ایرانی و تقویت آن باز نایستاده است ، از این پرسش نیز با استحکام تمام می خود را در پشتیبانی از گفدراسیون دنبال خواهد کرد ، اما نظر به اهمیت وظائفی که گفدراسیون در مبارزات خلق های میهن ما ایفا میکند و این اهمیت بر کسی پوشیده نیست ، نظر به اینکه صدای گفدراسیون در حال حاضر یگانه صدای رسای خلق ایران است که علنا در سراسر جهان طنین می افکند . سازمان ما بر آنست که همه سازمانهای سیاسی هوادار گفدراسیون باید متفقا به صیانت گفدراسیون همت گمارند ، همکاری فکری و عملی همه این سازمانها گفدراسیون را در مبارزه اش بخاطر مقابله با توطئه سازمان امنیت ، از پشتیبانی نیرومندتری برخوردار خواهد ساخت . سازمان ما آمادگی خود را برای هرگونه همکاری فکری و عملی اعلام میدارد و امیدوار است که این ندای وی و این آمادگی وی که فقط از اعتقاد عمیق به نقش گفدراسیون منشا میگردد ، در سازمانهای سیاسی هوادار گفدراسیون انعکاس مساعد و مطلوبی بخشد .

بیاد خرداد . . . بقیه از صفحه ۱ در این هنگام رژیم محمد رضاشاه مزورانه مدعی گشت که جنبش ۱۵ خرداد بخاطر حمایت از مالکان بزرگ که گویا از " اصلاحات ارضی " اوناراضی بودند ، بخاطر مخالفت با " آزادی زنان " و غیره صورت گرفته است . دستگاههای تبلیغاتی امپریالیستهای غرب و سوسیال امپریالیسم شوروی نیز به کمک این مانور تبلیغاتی شاه آمدند . روزنامه ارگان دولت شوروی (ایزوستیا) این " آشوب و بلبلا " را " تحریک عده‌ای از روحانیون مرتجع مسلمان " قلمداد کرد . مجله شوروی " عصر جدید " آن مبین پرستان دلیبری را که در جنبش خرداد شرکت داشتند " اشخاصی که از تعصب کور شده اند " نامید که گویا حامیان مالکان ارضی هستند و بویژه با آزادی زنان مخالفت دارند . سوسیال امپریالیستهای شوروی حتی روزی - نیست های حزب توده ایران را بر آن داشتند که از پشتیبانی از این جنبش عظیم توده‌های خود داری ورزند و این " حادثه " را ناشی از " جهل مردم " بنمایاند . ولی مردم ایران بخوبی می دانستند که علیه چه کسانی مبارزه میکنند . البته این جنبش رنگ مذهبی داشت . ولی از تمام طبقات و اقشار اجتماعی ایران در آن شرکت جسته بودند . زیرا هدف این جنبش رژیم خون خوار محمد رضاشاه و حامیان امپریالیستش بود . آن توده های وسیعی که در جنبش خرداد شرکت داشتند ، در حقیقت اصلا حاکم عمیق اجتماعی میخواستند نه " اصلاحاتی " که فقط ناسر اصلاحات است و فقط برای فریب خلق و ادامه سلطه خائنین عرضه میگردند . متأسفانه جنبش خرداد ۲۴ به شکست انجامید ، زیرا رهبری نداشت ، مرکز ثقل آن در شهرهای بزرگی بود که قوی ترین پایگاههای دشمن است ، نیروهای عظیم دهقانان زشتر در این جنبش بر کارمانده بودند ، حزب طبقه کارگر نیرومندی وجود نداشت که جنبش را با اتکا به کلبه طبقات دیکتاتوری رهبری کند و بسوی پیروزی سوق دهد ولی با وجود این نقائص جنبش خرداد اثر مثبت خویش را بر تاریخ انقلاب ایران برجای گذاشت .

گرامی باد خاطره شهیدان خرداد ۲۴ !
برافراشته باد پرچم مبارزه قهرآمیز علیه ارتجاع داخلی
وحامیان امپریالیستش !

سوسیال امپریالیسم و کامبوج

نورودن سپهانوک رئیس دولت متحد ملی کامبوج در مصاحبه با خبرنگار روزنامه لوموند در یک از جمله چنین گفت (لوموند ۲۲-۲۳ آوریل) :

" در واقع آمریکا که با کشور کوچکی مانند کامبوج درسی - افتد منظور آنست که یک نظام نواستعماری برای نگه دارد . این امر تا حدی به دکتورین برزنف و قضیه چکوسلواکی شبیه است . نیکتو تحمل نمیکند که کشوری را استقلال خود باید اری ورزد و با گرایش غیر از گرایش او داشته باشد . روسها نیز همچنان مارانید به نگه دارند و همچنان بخوش گذرانی تعطیلات آخر هفته در فرودپن مشغول اند . آیا این روش آنها را چگونه باید توجیه کرد ؟ اولین توجیهش خصوصیت راسخ آنها نسبت به چین است . توجیه دیگرش آن است که روسها موافقت هائی با آمریکا کرده اند و مصمم اند که با آمریکا همکاری داشته باشند . البته حالا که اوضاع بزیسان لون نول میچرخد روسها متأسل و نگران اند (. . .) . اگر از من بپرسند که مابا کدام يك از آنها ، باروسها یا با امریکائی ها ، آسانتر میتوانیم کار بیائیم ، خواهم گفت با امریکائیها ، روسها هرگز بطرف ما نخواهند آمد . ولی مبارز تصور کنید که در نظر من نیکسون به رها کردن لون نول تن در خواهد داد .

کسیبگر به چوئن لای گفته است : " ما نمیتوانیم بسا سپهانوک وارد مذاکره شویم اما باو بدیده " تحسین مینگریسم " . این آن نظریه‌ای است که مورد قبول روسها نیست : آنها نسبت به ما هم احساس تحقیر دارند و هم احساس نفرت . آنها با ما پیوسته دشمن تر میشوند . چرا ؟ نمیتوان این را دانست . آن ها مرکز از کامیابی های نظامی ما سخن نمیگویند . مطبوعاتشان قطعنامه‌های بین المللی را که حاکی از مطالبه برسمیت شناختن حکومت ماست منتشر نمیکنند . و بعد از روسها در صحبتها خصوصی خودشان مثل امریکائیها بمخاطب میگویند و یا حوالی میکنند که کسانی که در کشور ما میزند ویتنامی هستند نکامبوجی " .

در باره عمان ... بقیه از صفحه ۴ عمان را در دست دارد به منظور فریب توده های مردم و نفاق افکنی در نهضت ظفار در ژوئیه ۱۹۷۰ سلطان سعید بن تیمور را بوسیله کودتای ساختگی از سلطنت برکنار ساخته سلطان قابوس را بر جای او نشاند و جنجال تبلیغاتی برپا انداخت که سلطان جدید سلطان عمان و اصلاحات است. اما خلق عمان و ظفار به دام امپریالیسم انگلستان گرفتار نیامدند و جریان انشعابگرانه ای را که در ۱۲ سپتامبر ۱۹۷۰ بدست عمال انگلستان در شرق ظفار بوجود آمد در هم شکسته به مبارزه بسوی علیه سیاست نو استعماری امپریالیسم انگلستان دامنه بخشیدند.

سیاست امپریالیسم در عمان و ظفار از سیاست عمومی وی در منطقه خلیج جدانیت این منطقه را لحاظ نفت و بطور کلی از لحاظ اقتصادی و نظامی برای امپریالیسم جنبه حیاتی دارد و امپریالیسم در عین حال که پایگاه های نظامی (دریائی و هوائی) خود را در این منطقه حفظ و تحکیم کرده در صدد است که ارتجاع محلی را در برابر نیروهای روز افزون ملی وضع امپریالیستی متحدگرداند و تقویت کند. سازمان دادن امارات ارتجاعی عربی و تشکیل اتحادیه آنها، تسلیح و تقویت عربستان سعودی و ایران و واگذاری نقش زائد ارم منطقه به محمد رضا شاه، اشغال جزایر سه گانه تنب و ابو موسی و جزیره غم بوسیله ایران همگی بر اساس این سیاست انجام گرفته و میگردد. حکومت ایران از چند سال پیش به نقش نهضت نجات بخش ظفار و تان شیران در کشورهای خاورمیانه و از جمله ایران توجه کرد و هرگز از توطئه بر علیه وی غافل ننشست. مذاکرات متعدد ایران با عربستان سعودی و یمن شمالی همیشه شامل طرح نقشه های خد ارانسه برای ضربه زدن بسوی نهضت نجات بخش ظفار بوده است. اینک دولت ایران با اشاره امپریالیست ها صریحا وارد میدان شده و ارتش و اسلحه بسوی عمان فرستاده است. خبرنگار روزنامه النهار که با سلطان قابوس صاحبیه کرده تعداد افسران اعزامی را ۳۳ نفر نوشته است. خبرنگاری ها تعداد سربازان ایرانی را تا قریب سه هزار تن تخمین زده اند مخارج آنها را دولت ایران میپردازد فرماندهی کل آنها بنا افسران انگلیسی است و هدف آنها مناطق آزاد شده ظفار و ارتش نجات بخش ظفار است.

"جنبه رهائی بخش خلیج عربی اشغال شده بنا" است این مسائل امپریالیستی و منجمله اعزام قشون ایران به عمان در طی اظهاریه مارس ۱۹۷۳ چنین میگردد: "در این شرایط لازم میدانیم به اطلاع دوستان و برادران عرب خود برسانیم که جنگ توده های ما جنگ عادلانه ای است و هدف آن عبارت از نیل به آمال مبرم و اساسی ملی و دمکراتیک و در راه آنها مطالبات زیرین:

- ۱- بیرون راندن نظامیان انگلیسی، اردنی، ایرانی و امریکائی از میهن ما.
 - ۲- برانداختن پایگاه های نظامی که خلق و امنیت او را و همچنین صلح بین المللی را مورد تهدید قرار داده است از آنجمله پایگاه صیبر، جفیر و صلاله و غیره.
 - ۳- الغاء کبیله پیمانهای ظالمانه و رقت بار قدیم و جدید سیاسی و نظامی که سران عشائر با استعمار انگلستان با حکومت توسعه طلب شاه (ایران) و با حکومت خائن عمان منعقد ساخته اند.
 - ۴- آزاد ساختن صدها تن زندانی سیاسی میهن پرستان که گرفتار انواع شکنجه های وحشیانه اند و محاکمه تبهکاران خائونخواوری که خون دها نفر از نرزنندان خلق را در این زندانها ریخته اند.
 - ۵- برقراری حکومت ملی و دمکراتیک ناشی از خلق و برانداختن نظامات قبیله ای پوسیده کنونی.
- بخاطر وصول به این آمال ملی که با شرف و شخصیت خلق ما و با حال و آینده او، با حال و آینده بخش اساسی خلق و میهن عربی ما ارتباط دارد، خلق ما اسلحه بزمین نخواهد گذاشت، انقلاب از منشی جنگ نجات بخش توده ای انحرافی نخواهد جست و در مورد اصول سیاسی خود بسوی سوداگری دست نخواهد زد.

رویزونیست ها ... بقیه از صفحه ۴ حکومت محمد رضا شاه و حکومت ملک فیصل متحد با حضور نیروهای انگلیسی در خلیج فارس مخالفند و ثانیاً حل مسئله بحرین به این وحدت کلنگر است و بنابراین این باید حل مسئله بحرین را مقدمه و نتیجه جهاد استعماری ضد امپریالیستی دانست!

باین عبارت عبرت انگیز ارگان رویزونیست ها توجه کنید که نوشته بود: "سیر حوادث، زمانه داران ایران را اکنون دیگر دست کم در مورد استعمار انگلیس و در تنگنای خلیج به تصدیق حقانیت شعار ضد استعماری و ضد امپریالیستی میهن پرستان ایران و به هم آوایی با آنان وارد شده است." (تیر ۱۳۵۰)

یعنی رویزونیست ها صریحا به مردم ایران گفتند که محمد رضا شاه و همکارانش در محبت حاکمه دست کم بمبارزه ضد استعماری و ضد امپریالیستی بر علیه انگلستان در خلیج فارس برخاسته اند. قید دست کم از آن جهت بکار برده شده است تا خواننده بداند که جنبه ضد استعماری و ضد امپریالیستی رژیم کودتا بیش از این حد است و نویسنده فقط برای آنکه هیچ جای بحثی نماند بذکر این حد اکتفا کرده است!

وقتی که محمد رضا شاه در اجرای نقشه امپریالیست ها باشغال جزائر سه گانه تنب و ابو موسی دست زد رویزونیست ها نیستند خواهانند این نقشه افشا شود و بجای آنکه جنبه سیاسی فعلی حادثه را مورد توجه قرار دهند سابقه تاریخی را به پیش کشند. ارگان آنها نوشت: "تا مین حاکمیت ایران بر این جزائر بنظر ما طبیعی و ناشی از واقعیت است." ایراد رویزونیست ها فقط آن بود که چرا حاکم شارجه جرئت کرده و میگوید "حاکمیت شارجه بر ابو موسی و نیز پلیس آن در این محل کماکان باقی است" و چرا "ارتش ایران تنها در مناطقی که سابق قرارداد معین شده مستقر گردیده و (حاکم شارجه) در قبال آن سالیانه یک میلیون و نیم لیره از ایران دریافت خواهد داشت!"

باین طریق رویزونیست های حزب توده ایران بر توطئه امپریالیسم و محمد رضا شاه صحه میگذاشتند و حتی محمد رضا شاه را تشویق میکردند که اشغال ابو موسی را ناتمام نگذارد. آنگاه "برای خالی نبودن عریضه" برای آنکه آرایش به سیاست زشت خویش داده باشند به توصیه های پوچ و خیالی از قبیل اینکه محمد رضا شاه نباید حقوق ویژه ای در این جزائر برای امپریالیسم انگلستان قائل شود ... و غیره میرداختند.

اکنون همین محمد رضاشاهی که رویزونیست ها او را دست کم، آراسته به خصوصیت ضد استعماری و ضد امپریالیستی بر علیه انگلستان و طرفدار تخلیه خلیج فارس از نیروهای نظامی انگلستان جلوه میدادند افسران و سربازان ایرانی را به عمان فرستاده است تا تحت فرماندهی افسران انگلیسی به سرکوب نهضت نجات بخش ظفار بپردازند! و اکنون همان رویزونیست ها یکباره مقدمات این مداخله گری جنایتکارانه صحه گذاشته بودند صدای منافقان خود را بر علیه اعزام قشون به عمان با فریاد خلق ایران درهم آمیخته اند و توقع دارند که هیچکس این "بدرقه های خطرناکتر از دزدان" را نشناسد! رویزونیست ها برآشفته دشنام میدهند که منتسب ساختن آنها به سازش با رژیم کودتا "اتهام روزیانه" ای است. ولی غفلت دشنام نمی تواند از قدرت انتساب بکاهد. ادعای ما مبتنی بر عمل رویزونیست ها، بر تبلیغات فراوان آنها و از جمله بر نوشته های فوق است. آیا محمد رضا شاه را به لباس مبارز ضد استعماری و ضد امپریالیستی درآوردند، بر توطئه امپریالیست ها در اشغال جزائر سه گانه تنب و ابو موسی صحه نهادند، رژیم کودتا را عامل "تا مین حاکمیت ایران" جلوه دادند، سازش با رژیم کودتا نیست؟ فقط کسانی که هرگونه صداقت و تقید به حقیقت را از خود دور کرده اند میتوانند این افشاگری را "اتهام روزیانه" بنامند.

واقعیت اینست که نوسانات و زویر هم های رویزونیست ها حزب توده ایران در ارتباط با فراز نشیب سیاست رویزونیست ها شوروی در ایران است. رویزونیست های حزب توده ایران به شاه، این دشمن همیشگی و در همه حال خلق ما، فقط آن وقت و آنقدر شلاق میزنند که برای رام کردن و رکاب دادن او به سوسیال امپریالیسم شوروی لازم است.

نبرد در ... بقیه از صفحه ۴ وارد دانشگاه شد و به زد و خورد پرداخت. دانشجویان هم دست بسته نشستند و از آجرهایی که برای ساختن طبقه آخر بر بالای بام عمارت دانشگاه و طوطی گشته بودند در دفاع از خود استفاده کردند و زد و خورد تا عصر روز سه شنبه ادامه یافت. در همین روز پلیس ماشین سواری پلیس آتش زده شد و در محل کشیک پلیس دانشگاه مورد حمله قرار گرفت و تخریب شد. فردای آن روز هنگام ظهر دوباره در اثر تظاهرات دانشجویان زد و خورد پلیس از نو برافراشت. این مرتبه پلیس وحشیانه تر حمله کرد. در حوالی ساعت ۳ بعد از ظهر کوماندهای ارتش وارد دانشگاه شدند و دانشجویان را به عقب نشینی به کوی دانشگاه وادار کردند. دانشجویان از پنجره ها شعار میدادند. پلیس و کوماندها در راهای کوی را شکسته وارد کوی شدند، دانشجویان را بیرون کشیده بقصد کشت زدند. آمبولانس ها دانشجویان زخمی را بنام بیمارستان به سازمان امنیت منتقل میکردند. حمله تا ساعت ۷ ادامه یافت. ساعت ۷ پلیس به کوی های دانشجویان در داخل شهر (خیابان شهناز - خیابان شهناز شمالی) خیابان منصور) هجوم برد. پس از این هجوم تعداد دانشجو جوان زخمی آنقدر زیاد بود که پلکان های کوی ها غرق در خون بود. دانشجویان این کوی ها شب را در خیابان بسربردند. تعداد کشتگان معلوم نیست ولی سلما بیش از آنست که بعضی از خبرنگاری ها خبر داده اند. تعداد زیادی را نیز به سرباز بردند. چند روز پس از این جریان، از طرف سازمان امنیت کتابخانه بزرگ تبریز را در خیابان دانشمرا آتش زدند تا باین بهانه بتوانند عده دیگری را دستگیر سازند.

دانشجویان تلفات بسیار داده اند ولی روحیه سرکش آنها در مبارزه با رژیم ضد ملی کودتا نیرومند تر از همیشه است.

تحول حوادث ... بقیه از صفحه ۴ آنگاه میتوانیم دید روشن تری از کنه مشاجرات و مناظرات، تردیدها و جابجایی شدن های احزاب و محافل حاکم ترکیه داشته باشیم. جامعه ترکیه محتاج تحولات بنیادی است که جز از طریق انقلاب دمکراتیک نوین تحقق پذیر نخواهد بود. اینهمه جنبانیت و اینهمه کشتار دولت های کودتا نتوانسته و نخواهد توانست مقاومت در لیرانه خلق ترکیه و در راس آن کارگران و دهقانان را درهم شکند، نتوانسته و نخواهد توانست آرمان های پیشرفت و آزادی و استقلال را خاموش گرداند. خلق ترکیه در کوره مبارزه آموختن می آموزد که تکیه بر قانونیت دولت های استعمری و دل بستن بر اساس استعمار آمیز نیل بقدرت - آنطور که حزب اپوزیونیستی "کارگر ترکیه" و رویزونیست ها تبلیغ میکردند و میکنند - نتیجه دیگری جز خود فریبی و تن در دادن به ضربات غافلگیرانه دشمن و تحمل تلفات سنگین و جبران ناپذیر نخواهد داشت. سرنگون ساختن دشمن مجهز و مسلح و متکی به قدرت دولتی و امپریالیسم، کار دست های کوچک و سفرد - هر قدر هم که فد اکار و جانبا ز باشند نیست! کار خلق مسلح است که تحت رهبری حزب طبقه کارگر سازمان باید. این تجارب گرانبهای خلق ترکیه مسلما بزودی ثمرات خود را بار خواهد آورد. در طی همین دو سال پس از کودتا تا حد کارگر و دهقان انقلابی ترکیه در پیکار بخاطر تحکیم ایدئولوژیک و سازمانی خود و در رهبری مبارزات توده ای بیش از پیش آرموده و آبدیده شد و تجارب جدید در تلفیق کار خفنی و علنی و تجهیز و تسلیح توده ها حاصل کرد. نمیتوان تردید داشت که نهضت ملی و ضد امپریالیستی خلق ترکیه نوید بخش آینده درخشان پیروزی هاست. مابه خلق برادر ترکیه درود میفرستیم و بر ای جز کارگر و دهقان انقلابی ترکیه در رهبری نبرد های آینده خلق موفقیت روز افزون آرزو میسیم.

بهای هر شماره توفان معادل ۱۰۰ ریال. آبوتومان سالیانه معادل ۱۰۰۰ ریال. فهرست نشریات توفان را از دفتر توفان بخواهید. عنوان مکاتبات: X GIOVANNA GRONDA 24030 VILLA D'ADDA/ITALY حساب بانکی: X GIOVANNA GRONDA CONTO 17549/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO/ITALY

پیروز باد جنگ توده های خلق فلسطین

تحول حوادث در ترکیه

کودتای نظامی (مارس ۱۹۷۲) در ترکیه که با الهام امپریالیسم امریکایی صورت گرفت و هدف داشت: یکی اینکه نهضت رشد - یابنده ملی و ضد امپریالیستی را در ترکیه درهم بشکند و محمل های قانونی برای این امر فراهم آورد، و دیگری اینکه بمنظور فریب مردم و تفرقه در نیروهای میهن پرست ترکیه به "اصلاحاتی" منجمله "رفرم ارضی" دست بزنند.

از سال ۱۹۶۱ که دولت مدرس در اثر جنبش پرخشم و کین خلق سرنگون شد مبارزات طبقاتی در ترکیه گسترش بی سابقه یافت. اعتصابات و تظاهرات کارگری، شورش های دهقانان و تصاحب اراضی مالکان بزرگ ارضی، درگیری های مسلحانه با قوای ارتش و ژاندارمری و پلیس، نمایش های عظیم بر علیه امپریالیسم امریکا و پایگاه های وی در ترکیه، بدرجه ای رسید که حکومت طبقات ستور ترکیه و سیادت امپریالیسم را در آن کشور در معرض خنجر جدی قرار داد. دیگر وعده و وعید احزاب سنتی (جمهوری خواه خلق و عدالت) و سیاست اپوزیونیستی و سازش کارانه با اصطلاح "حزب کارگر ترکیه" که در دوران اوج نهضت بوجود آمده بود نمیتوانست توده های زحمتکش ترکیه را در چارچوب رژیم نیمه فئودالی و نیمه استعماری نگهدارد. علل کودتای نظامی مارس ۱۹۷۲ را باید در این واقعیت جستجو کرد.

توجیه رویزونیست ها و از جمله رویزونیست های حزب توده ایران که کودتای نظامی مارس ۱۹۷۲ را "ناشی از یک سلسله حوادث ماجراجویانه میدانند... که از طرف جمهوریخواه ایجاد شد" (ماهنامه مردم شماره ۷۲) چیز دیگری جز خوار شدن نهضت عظیم خلق ترکیه و تیره ارتجاع و امپریالیسم نیست. رویزونیست ها از این حد فراتر رفته حتی مدعی اند که در کودتای نظامی مارس در ترکیه "بخشی از ارتش کوشید تا مستند بایستی مترقیانهای را مستقر سازد" (همانجا). رویزونیست ها باین طریق نقشه های نو استعماری امپریالیسم امریکارا در ترکیه که میبایست بدست ارتش عملی شود "سمت بایستی مترقیانه" می خوانند! اما این کدام سمت بایستی مترقیانه است که باید بوسیله سرنیزه بخلق ارائه شود؟

دولت عائی که پس از کودتای نظامی سرکار آمدند یورش بر نهضت توده ای، درهم شکستن سازمان ها و مطبوعات دموکراتیک، تصرف در قانون اساسی ترکیه در جهت ارتجاع، تصویب قوانین تازه ضد ملی و ضد دموکراتیک، دامنوش کردن هرگونه صدای مخالف را وظیفه مقدم خود دانستند. در این مدت زندان های ترکیه از بهترین فرزندان خلق پر شد. شکنجه های قرون وسطایی بصورت شیوه های معمول درآمد، جوخه های اعدام بکار افتادند و باید گفت - نخستین وظیفه کودتا انجام یافت. اختلافاتی که در این امر بین احزاب حاکم ترکیه بظهور رسید جنبه فرعی دارد، اصل آنست که همه آنها در ماهیت امر ولزوم سرکوب توده ها بانظامیان در صفا واحدی قرار داشتند. در انتخابات ریاست جمهوری ترکیه که اخیرا صورت گرفت نظامیان صلاح ندیدند برای تحمیل نامزد خویش پیش از اندازه پافشاری کنند زیرا که کلیه منظورهای آنان از لحاظ سیاسی بر آورده شده است: قانون اساسی در جهت ارتجاعی تغییر یافته دولت سیطره خونین خود را برقرار ساخته، مطبوعات، اتحادیه های کارگری و دانشگاه ها مهار شده اند، حکومت نظامی بطور مستمر بریاست، دادگاه های نظامی بطور خستگی ناپذیر به صدور فرمان های حبس و اعدام مشغول اند. در چنین شرایطی نظامیان کودتاگر بهتر دانستند که صورت ظاهر را نگهدارند و حکومت سرنیزه را بدست نامزد های دیگر اراکند. از این حیث خاطر آنها نگران نیست.

اما هدف دیگر کودتای نظامی که اجرای نقشه نو استعماری "اصلاحات" است هنوز نتوانسته راه خود را در بین طبقات حاکم ترکیه باز کند. اگر در نظر بگیریم که در ایران در موقع طرح نقشه های نظیر نقشه مذکور نوسانات بسیار در طبقات حاکم و در بار بظهور رسید و اجرائی "اصلاحات" فقط پس از کشمکش نسبتا طولانی و مداخلات امپریالیست ها بمرحله عمل درآمد، بقیه در صفحه ۳

رویزونیست ها و سازش با رژیم

رویزونیست های حزب توده ایران لازم میدانند که هر وقت به آنها نسبت سازش با هیئت فرمانروای ایران داده شود به رخاش بر خیزند و سوگند های گران در پاکدستی خود یاد کنند. و این تهرئه جوئی را عموما در دوران هائی انجام میدهند که تضاد میان امپریالیسم امریکا و سوسیالیسم امپریالیسم شوروی در ایران بشدت گرائیده است و جانب گیری محمد رضا شاه از امپریالیسم امریکا وظیفه تاخت و تاز به محمد رضا شاه را در برابر رویزونیست های حزب توده ایران میکند. در این دوران است که باد در گلوی پیک ایران میافتد و کسانی را که افشاگر و روئی ها و شعبده بازی ها و تسلیم خالی های اویند بباد ناسزا میگرد. الان ما در چنین دورانی هستیم و روزنامه مردم با استفاده از فرصت، بدجمله پر از انماورا "چپ مائوئیست" و "اتهام روزیلانه" آنها مبنی بر سازش رویزونیست ها با رژیم کودتا تاخته است. (شماره ۹۴). اما اگر چه "دیوار حاشا بلند است" مرکز بلند تر از واقعیت نیست. ما بارها مظاهر این سازش را در صفحات توفان نشان دادیم و اینک بمناسبت موضوع هم روز یعنی اعزام نیروی مسلح ایران به عمان و ظفار مظهر دیگری را ارائه میدهم:

رویزونیست ها امروز با مردم ایران همصدا شده اقدام تو سعه طلبانه و جنایتکارانه رژیم شاه را محکوم میکنند ولی از یاد میسرنند که این اقدام بطور ناگهانی و تصادفی صورت گرفته و مبتنی بر مقدماتی است که رویزونیست های حزب توده

ایران بموقع خود از آنها جانب داری کرده اند. مسئله اتحادیه امارات عربی که "استقلال" بحرین یکی از عناصر آن بود، اشغال جزایر سه گانه تنب و ابو موسی، و اینکه اعزام ارتش به عمان و ظفار اجزای مختلف نقشه واحدی هستند که هدفش متحد ساختن ارتجاع در خلیج فارس، واگذاری نقش ژاندارمری به ایران یا عربستان سعودی، سرکوب نهضت های محلی بدست ارتجاع محلی و تا مین سیادت نو استعمار است. آیا رویزونیست ها فراموش کرده اند که در هر یک از موارد مشخصه فوق چه موضعی در پیش گرفته بودند؟

ارگان رویزونیست های حزب توده ایران در مرداد ۱۳۴۹ چنین نوشت: "حکومت محافظه کار (انگلستان) با وضع نویسی در خلیج فارس مواجه شده است. این وضع جدید از آنجا ناشی است که حکومت ایران، عربستان سعودی و کویت... با حضور نیروهای انگلیس در خلیج مخالفند. شاه ایران ونخست وزیر مکرر این مطلب را تصریح کرده اند... این وحدت نظر بین ایران و عربستان سعودی و کویت نتیجه یک سلسله اقدامات است که در یک سال اخیر برای رفع اختلافات بین این سه کشور در مورد بحرین و بعضی از جزایر خلیج و در باره نفت فلات قاره بعمل آمده و فزاین نشان میدهد که این اختلافات در قسمت بزرگی رفع شده است."

رویزونیست ها با این تحلیل عجیب خواستند مردم ایران را بفریبند و چنین نشان دهند که اولاً بقیه در صفحه ۳

درباره عمان و نهضت ظفار



رژیم عمان که ساخته و پرداخته امپریالیسم انگلستان است یکی از ارتجاعی ترین رژیم های جهان و پاسدار نظامات فئودالی و پیش از فئودالی و استعماری نو استعماری است. در ۱۹۶۴ که پیشگامان خلق ظفار (در ضرب عمان) بمنظور مبارزه با سلطان سعید بن تیمور "جبهه" رهائی بخش ظفار را تشکیل دادند هنوز برده داری در آن منطقه رایج بود، مردم ظفار جز اشتغال به گله داری و صید ماهی از مشاغل دیگر محروم بودند، حتی یک پزشک نداشتند، از سواد بی بهره بودند، حکومت سلطان سعید که از ترقی و پیشرفت میبهره

واحدی از ارتش توده های پراختار ظفار مرکب از دهقانان، ماهیگیران، کارگران و سایر زحمتکشان سعید عده ای از حوزه های جبهه را کشف کردند. از بهترین مبارزان آنها را دستگیر کرد و در همین موقع کشتی های گشتی ایران در خلیج فارس تایقی را که حامل اسلحه برای ظفار بود توقیف کرده بنا بر وظیفه نوکری خویش تایق و سلاح ها و سرنشینان آنها در مسقطه قوای انگلیسی تحویل دادند. از این زمان مبارزان ظفار به کوهها پناه برده نخستین کنگره خود را در ژانویه ۱۹۶۵ در وادی الکبیر سازمان بخشیدند.

"جبهه" رهائی بخش ظفار در طی مبارزه هم از لحاظ کمیت و هم از لحاظ کیفیت رشد یافت و در کنگره دوم در اوت ۱۹۶۸ پس از مباحثات پر شور توانست به مضمون والاتری نائل آید. کنگره مذکور نهضت ظفار را از محدودیت بیرون آورد و اعلام داشت که هدف مبارزان این نهضت رهائی کلیه مناطق استعمار زده خلیج است و بدین مناسبت نام خود را به "جبهه" رهائی بخش خلیج عربی اشغال شده" بدل کرد و ضمانت تصریح کرد که اساس فعالیت جبهه بر سوسیالیسم عملی قرار دارد. از این پس "جبهه" رهائی بخش خلیج عربی اشغال شده به پیروزی های مهم نائل آمده شکست های نمایانی بر ارتش مزدور عمان که تحت فرماندهی افسران انگلیسی است وارد آورد و نواحی وسیعی را در مغرب عمان آزاد ساخته به آزادی ساختن بردگان، برانداختن رژیم استبدادی و فئودالی، به افتتاح مدارس، به رشد و ترقی اقتصاد و بهبود بخشیدن به زندگی توده های مردم دست زد. امروز نهضت آزادی بخش ظفار و مناطق آزاد شده آن الهام بخش همه خلق های خاور میانه است. امپریالیسم انگلستان که زمام حکومت بقیه در صفحه ۳

نبرد در دانشگاه تبریز

متاسفانه در شماره گذشته توفان امکان نیافتیم گزارشی را که درباره مبارزات اسفند ماه دانشگاه تبریز رسیده بود درج کنیم. اما نظریا اهمیت مبارزات مذکور، عین گزارش را - اگر چه با تاخیر - اینک از نظر خوانندگان گرامی میگردانیم:

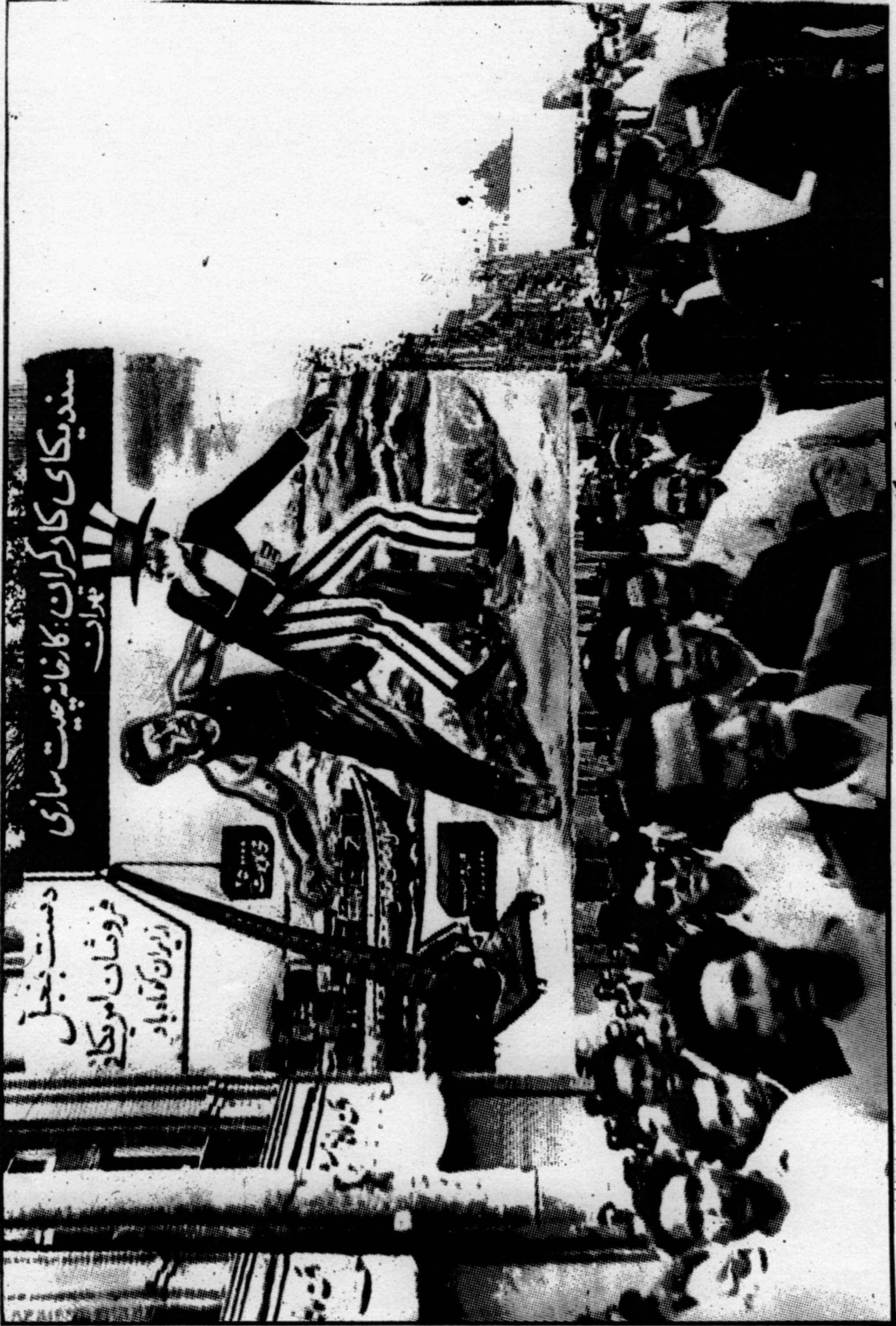
چند روز پیش از حمله پلیس و کوماندها، دانشجویان دانشگاه فنی جهت مطالبه استعقای رئیس دانشگاه تبریز که مجری اوامر سازمان امنیت است اعتصاب کرده و اعلام داشته بودند که تاوی عوض نشود باعتصاب ادامه خواهند داد. مسئولان دانشگاه دانشگاه فنی را تعطیل و اعلان کردند که دانشجویان این سن دانشگاه مدت یک سال از تحصیل محروم خواهند بود. روز سه شنبه اول اسفند دانشجویان سایر دانشگاه ها بعلامت همبستگی با دانشگاه فنی اعتصاب کردند و دست متظاهران زدند. در میان شعارهای عموم دانشجویان در این روز شعارهای زیرین بچشم میخورد: "زندانیان سیاسی را آزاد کنید"، "مرگ بر مزدوران"، "زنده باد دانشجویان ایرانی خارج از کشور".

پلیس برای جلوگیری از تظاهرات بقیه در صفحه ۳

سرنگون باد رژیم محمد رضا شاهی

فرخنده به یاد جشن اول ماه مه

تلاشیه سازمان توفان
اردیبهشت ۱۳۵۲



از نمايش عظيم كارگران و دهقانان در روز ۸ خرداد ۱۳۳۰